

متن پرسش

آقای عبدالعلی بازرگان در مقاله‌ای می‌گویند: «همان‌طور که حضرت سلیمان پس از آن‌که رحلت کردند، هیچ‌کس آگاه نشد تا موربانه‌ها عصای او را جویدند و عصا شکست و سلیمان به زمین خورد و مردم فهمیدند او مدت‌ها قبل مرده، نظام قرون وسطایی ولایت فقیه نیز چنین است هرچند عصای تشکیلات امنیتی آن را سر پا نگه داشته». باید چه جوابی به ایشان داد؟ جواب

متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام فکر می‌کنم جناب آقای عبدالعلی بازرگان نه تنها انصاف را در مقاله‌ی خود رعایت نکرده‌اند و انتظار دارند به جای این‌که تکلیف انتخابات بر سر صندوق‌های رأی تعیین شود، وسط خیابان با آن حرکت بسیار افراطی تعیین شود و نظام اسلامی هیچ عکس‌عملی نشان ندهد. از این مهم‌تر مثالی است که در مورد حضرت سلیمان «علیه‌السلام» و عصای آن حضرت زدند و نتیجه گرفته‌اند ریشه‌های نظام ولایت فقیه از بین رفته است و مثل عصای حضرت سلیمان «علیه‌السلام» که پس از رحلت آن حضرت مدتی آن حضرت را نگه داشت، فعلاً نظام امنیتی کشور، نظام ولایت رانگه داشته! در حالی که نظام ولایت فقیه، جریان رویکرد به حقیقت است تا حکم خدا از طریق کارشناسی آگاه به متون دینی در جامعه جریان یابد. زیرا خداوند می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»؛ هرکس به غیر خدا حکم کند کافر است، حال چه در نظام فردی و چه در نظام اجتماعی. تعجب از آن است که چرا آقای عبدالعلی بازرگان نظام ولایت فقیه را یک نظام قرون وسطایی می‌دانند و ما را به نظام مدرنیته که نظام حاکمیت امیال حزب‌ها و صاحبان ثروت و قدرت است رجوع می‌دهند؟ در حالی که نظام ولایت فقیه؛ نظام عبور از فرهنگ مدرنیته‌ای است که رابطه‌ی جامعه را با عالم قدس و معنویت منقطع کرده، تا زمینه‌ی حاکمیت امام معصومی فراهم شود که واسطه‌ی فیض الهی بین خالق و مخلوق است. در این مورد شما را به جزوه‌ی «انقلاب اسلامی؛ طلوع شهر خدا» که در سایت «لب‌المیزان» هست ارجاع می‌دهم تا معلوم شود گویا آقایان در تاریخ زندگی نمی‌کنند. موفق باشید